



فضیلت زیارت سیدالشهدا علیه السلام

در گفت‌وگو با آیه‌الله حاج سید محمد مهدی موسوی خلیلی

به کوشش: محمد هادی مشیری

در دروس سطح و سطح عالی (رسائل)، مکاسب و کفایه) از محضر اساتید برجسته‌ای چون حضرات آیات شیخ مجتبی لنگرانی، میرزا حسن یزدی، شیخ مرتضی طالقانی و شیخ محمد تقی ایروانی بهره می‌برند. سپس در درس خارج فقه و اصول، از محضر آیات

آیه‌الله حاج سید محمد مهدی موسوی خلیلی، فرزند سید فاضل، در سال ۱۳۰۴ شمسی، برابر با ۱۳۴۴ قمری، در شهر رشت متولد شد. ایشان پس از گذراندن دوران کودکی، برای فراگیری علوم دینی، در سال ۱۳۲۰ شمسی عازم نجف اشرف می‌شوند و

عظام حکیم، حلّی و خوئی بهره برده و جزو شاگردان برجسته ایشان قرار می‌گیرد. آیه‌الله خلخالی پس از ۱۸ سال تحصیل و تدریس در حوزه نجف، در سال ۱۳۳۹ شمسی به ایران بازمی‌گردند و در تهران اقامت می‌کنند و به برنامه‌های علمی و تبلیغی خود می‌پردازند. ایشان در سال ۱۳۸۵، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب به مشهد مقدس هجرت می‌کنند و به تدریس خارج اصول مشغول می‌شوند.

از ایشان کتاب‌هایی از جمله دوره «فقه الشیعه» (تقریرات خارج فقه آیه‌الله العظمی خوئی)، کتب فقهی «الرضاع»، «الانفال»، «حاکمیت در اسلام» (در موضوع ولایت فقیه به فارسی و عربی)، «شریعت و حکومت»، «تحریف ناپذیری قرآن»، «تقریرات کامل اصولی آیه‌الله العظمی خوئی» و همچنین کتبی پیرامون مهدویت به چاپ رسیده است. آیه‌الله خلخالی در دوران انقلاب

اسلامی، همواره از مدافعین نهضت امام خمینی علیه السلام بود و از مشاورین تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند. ایشان همیشه با تجلیل، از مرحوم امام علیه السلام یاد می‌کنند؛ چنان‌که در درس خارج خود فرموده بودند:

ما علمای زیادی را دیدیم که شب تا صبح مشغول مطالعه و تحقیق بودند و به مقام فقاقت رسیدند؛ اما در بین علما از زمان شیخ طوسی تا الان کسی در همت عالی، مانند مرحوم امام خمینی علیه السلام نبود. همت امام بر این بود که اسلام را در تمام دنیا مانند پیغمبران ترویج دهد و همان‌طور که پیغمبران دشمنانی داشتند، امام هم دشمنانی داشته‌اند و لذا نتوانستند دین را به تمام دنیا برسانند.

این گفت‌وگوی کوتاه، با محور فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و اشاره به زیارت پیاده حضرت انجام شد که

تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

در زیارت امام حسین علیه السلام به ویژه در زیارت‌های مخصوصه ایشان، نکته‌های خاصی هست که می‌توان آن را ویژه و استثنایی شمرد؛ در نگاه حضرت عالی، حکمت زیارت امام حسین علیه السلام چیست؟

درباره زیارت حضرت

سیدالشهدا علیه السلام بهترین

کتابی که مجموعه

زیارات را

تدوین نموده،

کتاب «کامل

الزیارات» از

ابن قولویه

است که در

این کتاب،

ابواب متعددی

درباره زیارت

آن حضرت را بیان

کرده است.

اولاً، زیارت آن حضرت دارای ثواب‌های عظیم است. در روایات، اولین چیزی که در زیارت ایشان معتبر است، قصد غربت کامل است. در این

کتاب، روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ احْتِسَابًا لَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا؛ کسی که به زیارت حسین علیه السلام برود، اگر در حالت قصد غربت باشد نه برای خودنمایی و نه برای جهات دیگر، «و لَا رِيَاءَ وَلَا سُمْعَةً مُحْصَتَ عَنْهُ ذُنُوبُهُ»؛ تمام گناهانش بخشیده می‌شود «كَمَا يُمَحَّصُ الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ»؛

همان‌گونه که لباس

چرکی را در آب

بیندازید و تمام

کثافات از بین

برود. این را

امام از باب

تشبیه بیان

می‌فرماید.

«فَلَا يَبْقَى

عَلَيْهِ دَنْسٌ»؛

هیچ گناهی برای

او باقی نمی‌ماند «و

يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ»

و به هر گامی که برمی‌دارد، ثواب یک

حج «و كَلَّمَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً» و هر

قدمی که برمی‌دارد، یک عمره برای او

نوشته می‌شود.

تمام این زیارت‌ها و ثواب آنها برای این است که اسلام زنده بماند؛ والا اگر قرار باشد این قبور از بین برود، این مجالس عزاداری از بین برود، کم‌کم اسلام تحت شهوات و نفسانیات بشر قرار می‌گیرد و فراموش می‌شود.

الله فی عرشه.» دیگر از این بالاتر نمی توان تصور کرد.

راز این زیارت و حکمت این فضیلت چیست؟

برای این است که آن حضرت، در مقابل یک شخص طاغوتی که می خواست به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله خلافت

در روایتی دیگری می فرمایند: «قلت جعلت فداک ما لمن أتى قبر الحسين زائراً له عارفاً بحقه»؛ کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام بیاید، به گونه ای که عارف به حق او باشد «یرید به وجهه الله والدآر الآخرة فقال یا هارون من أتى قبر الحسين یرید به وجهه الله والدآر الآخرة غفر الله له ما تقدم من ذنبه»؛ تمام گناهان او بخشیده می شود. سپس به راوی می فرماید: می خواهی برای تو سوگند یاد کنم؟ امام صادق علیه السلام سه بار این کلامشان را تکرار می کنند. در پایان، روایت به این جا می رسد که هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند «احتساباً کمن زار الله فی عرشه»؛ مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کند. دیگر از این بالاتر نمی شود کلمه ای به کار برد.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ما لمن زار قبر الحسين؟ قال: کمن زار الله فی عرشه، قلت: ما لمن زار احدا منکم؟ قال: کمن زار رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم»؛ اگر یکی از شما، ائمه را زیارت کند، مثل آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده؛ پس زیارت سیدالشهدا علیه السلام «کمن زار



این فداکاری بزرگ را بکند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و انبیای پیشین این امر را پیش بینی کرده بودند. پس این ثواب عظیم، اجر و پاداش آن قیام عظیم است؛ ضمن این که این زیارت‌ها، سبب زنده نگه داشتن مکتب اسلام است.

تمام این زیارت‌ها و ثواب آنها برای این است که اسلام زنده بماند؛

والا اگر قرار باشد این

قبور از بین برود، این

مجالس عزاداری

از بین برود،

کم کم اسلام

تحت شهوات

و نفسانیات بشر

قرار می‌گیرد و

فراموش می‌شود.

ولذا حفظ این شعائر

اسلامی جزو مکتب اسلام

است: ﴿وَمَنْ يَعِظْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَانْهَاهَا مِنْ

تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ مثل این نماز جماعت‌ها،

نماز جمعه‌ها، خطبه‌ها و مجالس و عظ

علما؛ این هاست که اسلام را زنده نگه

می‌دارد. هیچ راهی بهتر از اسلام برای

کند، قیام کرد و اینها می‌خواستند بنای اسلام را ویران کنند؛ چون در شعری که از یزید نقل شده، می‌گوید: «لا خیر جاء ولا وحی نزل»؛ نه خبری آمده و نه وحی نازل شده! یعنی آن کسی که من خلیفه او هستم (که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد) او هم مثل من بود! این حرف‌ها برای این بود که اسلام به طور کلی از بین برود،

ولذا امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

خود و اهل بیت

و فرزندان

و خواهر

مکره اش

حضرت

زینب عَلَيْهَا السَّلَام همه

باید در این قیام

حاضر می‌بودند

تا مسلمانان تکانی

بخورند و توجه پیدا کنند

که این شخصیت با عظمت که نوه

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فرزند امیر المؤمنین و فاطمه

زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است، با آن جهادی که کرد و

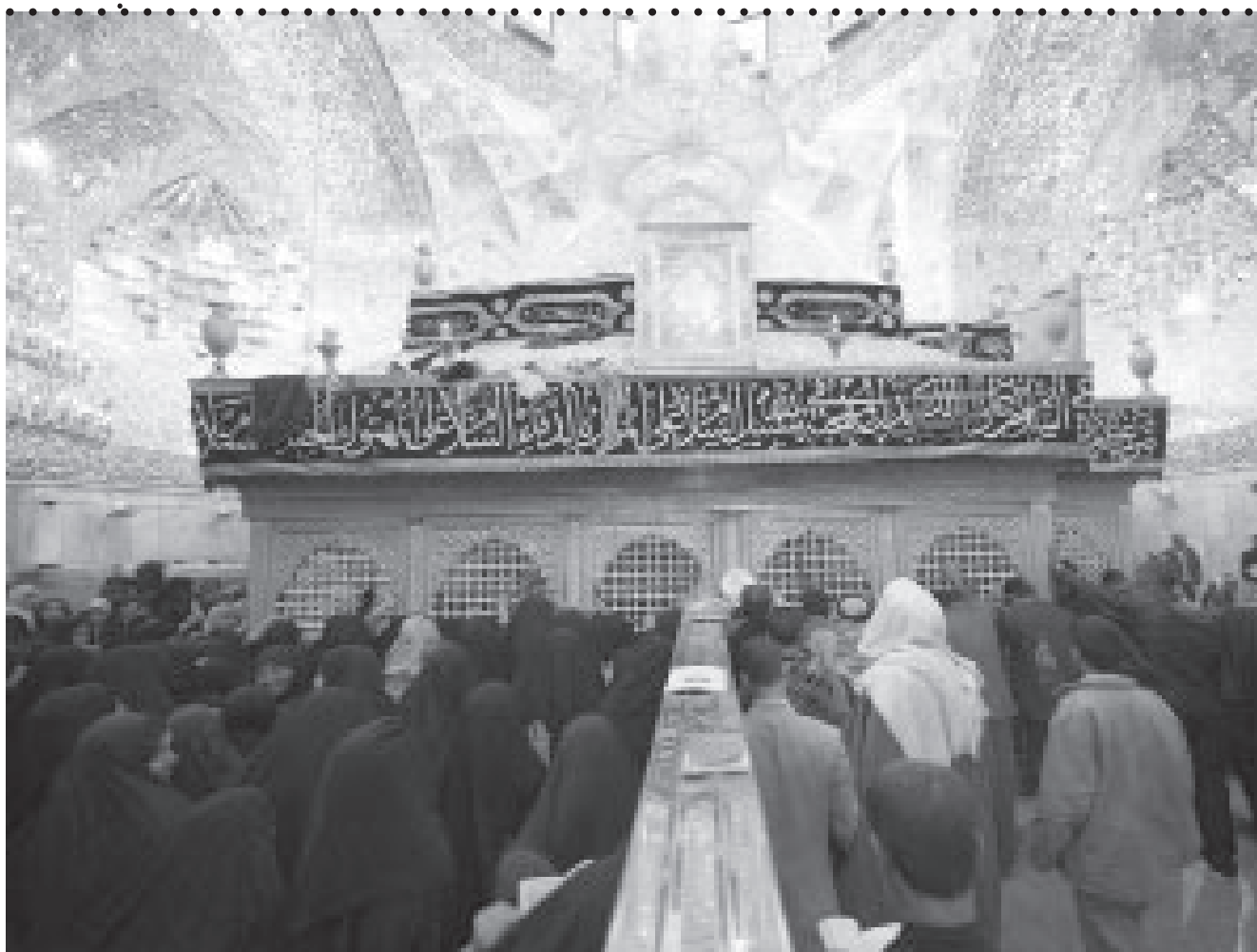
همه چیزش را در راه خدا داد، چیز

کمی نیست و لازم بود که آن حضرت

زیارت با پای پیاده، اظهار خلوص و ابراز عشق و علاقه است. کسی که با وجود امکانات، از راه‌های دور، با پای پیاده می‌آید، همین دلیل بر شدت علاقه است.



زندگی بشر نیست و این را بایستی نگه‌داریم و به دنیا معرفی کنیم. این وظیفه علما و اهل علم است و راهی را که به ما نشان دادند، بهترین راه است. همین زیارت حرم مطهر حضرت رضاعلیا^{علیه السلام} خودش چقدر به تبلیغ اسلام کمک می‌کند. همین‌هایی که در اربعین و در وقت‌های دیگر با پای پیاده و با این کیفیت می‌آیند، بالاخره این پیر و جوان و کودک و بزرگ می‌گویند چه خبر است و برای چیست؟ آن بچه‌ای که از کوچکی با مادرش می‌آید و این دسته‌ها را می‌بیند، این زیارت‌ها را می‌بیند، می‌گوید اینها برای چیست؟ مادرش می‌گوید: اینها همه برای ائمه ماست.





توجه به این که حضرت عالی سالیان طولانی در نجف اشرف اقامت داشتید، آیا خاطره‌ای از پیاده‌روی اساتید و بزرگان نجف در زیارت به خاطر دارید؟

بله؛ خدا رحمت کند آیه‌الله العظمی سید محمود شاهرودی بزرگ را. ما می‌دیدیم که ایشان برنامه داشت برای زیارت‌ها. حالا خوب یادم نیست در اربعین یا عاشورا با عده‌ای از اصحاب، پیاده می‌رفتند و تمام عشایری که بر سر راهشان بودند، از ایشان استقبال می‌کردند و اظهار اخلاص و خوشحالی می‌نمودند که آقا و مرجع تقلید آمده است.

زیارت با پای پیاده، اظهار خلوص و ابراز عشق و علاقه است. کسی که با وجود امکانات، از راه‌های دور، با پای پیاده می‌آید، همین دلیل بر شدت علاقه است. لذا عظمت زیارت آن حضرت و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام همه از این جهت است. از آن طرف می‌بینیم که دشمنان هم همین زیارت‌ها را مانع هستند. این همان خط دشمن است که از اول، علیه اسلام بوده و تا الان نیز هست. بنابراین، تعظیم شعائر و تکریم زیارت‌ها یکی از اصول و عقاید شیعه است و باید این معنا همیشه زنده بماند.

به زیارت پیاده اشاره فرمودید؛ با

وارد وارد حرم می‌شود و می‌گوید: «السلام علیک یا ابا عبدالله»، و جوابی از قبر بیرون می‌آید که «و علیک السلام». فردا به حرم می‌آیند و می‌بینند اوضاعی را که در خواب دیدند، عینا همان است؛ یعنی دسته‌ها به همان نظمی که در خواب دیدند و از جمله آن بنده خدا را به همین کیفیت وارد می‌شود و می‌گوید «السلام علیک یا ابا عبدالله»، ولی در بیداری ایشان جواب سلام سیدالشهدا علیه السلام را نمی‌شنود. از جا بلند می‌شود و به دنبال این بنده خدا می‌رود و چون مردی جوان بوده و تند راه می‌رفته، شیخ مجال پیدا نمی‌کند کفشش را بپوشد و پابرهنه به دنبال او می‌رود تا به کارون‌سرایبی در اواخر شهر می‌رسد که منزلگاه این عرب بوده.

ایشان با زحمت خود را به آن‌جا می‌رساند که از او بپرسد و خوابش را برایش نقل کند. به مرد جوان می‌گوید: خسته شدم از حرم تا این‌جا به دنبال شما آمدم. مرد می‌گوید: بفرمایید چه کار دارید؟ شیخ جواد خواب را

و اما دیگر علما و اهل علم مثل حوزه علمیه نجف خیلی به این امر اهتمام داشتند و این کار را در حوزه علمیه نجف دائمی می‌دانستند.

اگر از تفضلات سیدالشهدا علیه السلام به زائران نکته‌ای دارید، بفرمایید.

در خصوص پیاده‌روی در زیارت‌ها و تفضلات سیدالشهدا علیه السلام خصوصا زائرین پیاده، علما مطالبی نقل کرده‌اند؛ مثلاً یکی از ائمه جماعت نجف به نام «آقا شیخ جواد مشکور» که خداوند رحمتشان ایشان را، بنده ایشان را ندیده‌ام، اما پسرشان آقا شیخ حسین مشکور داستانی از پدرشان نقل می‌کردند که می‌گفت: پدرم در یکی از زیارت‌های اربعین، مشرف بوده به کربلا؛ شب خواب می‌بیند که دسته‌جات می‌آیند و روضه می‌خوانند و به حالت «حوسه» یعنی حالت پایکوبی وارد حرم می‌شوند و دور ضریح می‌چرخند و بیرون می‌آیند و دسته‌های دیگر همین‌طور. یکی از اعراب، پیرمردی بر دوشش بوده که

هم پشت سر شما می‌آیم. مادرم گفت: من هم می‌آیم. حالا دو نفر آدم پیر و فقط یک الاغ داشتیم. فکر کردم که چه کار کنم؟ با خودم گفتم مادرم را سوار بر الاغ می‌کنم و پدرم را به دوش می‌کشم. پس هر وقت خسته می‌شدم، می‌نشستم و خستگی می‌گرفتم. آمدیم تا رسیدیم به دسته‌ها و با آنها وارد حرم شدیم و گفتم: السلام علیک یا ابا عبدالله، و جواب شنیدم. فهمیدم که از خدمت به پدر و مادر، به این جا رسیده‌ام و احساس می‌کنم این جواب را که می‌شنوم از این جهت است.

این داستانی است که در نجف خیلی‌ها می‌دانستند. مرحوم آقا شیخ حسین که از ائمه جماعات نجف بود، این داستان را برای افراد نقل می‌کردند.

از فرصتی که برای این گفت‌وگو اختصاص دادید، سپاس گذاریم.

برایش نقل می‌کند. آن وقت مرد با تعجب به شیخ می‌گوید: مگر شما جواب سلام حضرت را نمی‌شنوید؟! شیخ می‌گوید: من تعجب کردم و خلاصه در جواب او متحیر ماندم که چه بگویم. خواستم بدانم او چه کاره است که به این مقام رسیده؛ پس شروع کردم به تحقیقات از حالات شخصی او. گفت: هیچ، آن که بر دوشم بود، پدرم بود و این هم مادرم (اول پدرش را به حرم برده بود و حالا می‌خواست مادرش را ببرد). باغی داریم و در همان جا زندگی می‌کنیم. از نخلستان به ما خرما می‌رسد. خلاصه زندگی مان با قناعت از همان باغ می‌گذرد، شکر خدا. با خودم گفتم: این شخص دارد نان حلال می‌خورد. پرسیدم: تو از کی جواب می‌شنوی؟ گفت: اربعین یکی از سال‌ها قرار شد به کربلا بیایم. پدرم گفت من هم با تو می‌آیم. الاغی داشتیم؛ گفتم: شما سوار الاغ شو و من